

فصل سوم:

تعریف بوغ و مراحل آن



تعريف بلوغ و مراحل آن

بلوغ در لغت معنی رسیدگی و پختگی است و مشخصه دورانی از زندگی محسوب می‌شود که فرد از دنیای کودکی فاصله می‌گیرد و در مسیر تکامل جسمی و روحی قدم برمی‌دارد. بلوغ را در تعریف به معنای به حد کمال رسیدن و کامل شدن آورده‌اند. این دوره از مراحل رشد انسان است که حد فاصل کودکی و جوانی محسوب شده و مشخصه اصلی آن بلوغ و پدیدار شدن ویژگی‌های جسمی و جنسی در فرد است.

* فرآیند بلوغ

یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های زندگی و در عین حال لذت بخش‌ترین و دل انگیزترین دوره زندگی هر فرد است. نوجوان در این دوره تمایلات و خواهش‌های متضادی دارد. مثلاً با این که می‌خواهد با دوستانش باشد. به تنها بودن نیز علاقمند است. در این دوره نوجوان نه کودک به حساب می‌آید و نه هنوز به درستی بالغ گردیده است ولی در مرز بین این دو مرحله (کودکی و بزرگسالی) قرار می‌گیرد.

این دوره یک دوره خاص و مشخصی است که از طریق بعضی تغییرات در تکامل و رشد فرد شناخته می‌شود. این تغییرات در هیچ زمان دیگری در طول حیات فرد اتفاق نمی‌افتد و ویژگی‌های خاصی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) **بلوغ**: بلوغ دوره نسبتاً کوتاهی است و از ۲ تا ۴ سال طول می‌کشد و عموماً به سه مرحله تقسیم می‌شود.

۱-مرحله قبل از بلوغ ۲-مرحله بلوغ جنسی ۳-مرحله بعد از بلوغ

* ۱-مرحله قبل از بلوغ : در این مرحله صفات ثانویه جنسی پدیدار می‌شود (پیدایش مو در صورت پسران و در ناحیه اندامهای تناسلی هر دو جنس و تغییر آهنگ صدا در پسران) ولی اعضاء تناسلی و تولید مثل هنوز کاملاً رشد نکرده‌اند. در این مرحله اصلی‌ترین قوا یا به تعبیر قرآن کریم شداید قوای انسانی در آستانه پیدایش قرار می‌گیرد. شداید و نیروهایی که انسان را برای ورود به حیات انسانی و گرفتن امانت‌های الهی ورسالت انسانی آماده ساخته و مقتدر و توانا خواهد نمود.

قرآن کریم هدف این مرحله از رشد را مسوی شدن معرفی فرموده است آنجا که می‌فرماید:

و لما بلغ اشده و استوی اتیناه حکماً و علماء و كذلك نجزی المؤمنین

«و چون شداید و قوای او با تربیت و تهذیب و ایمان به حد تمام و به رشد کافی دست یافت و به انسانی زیبا، معتدل، شایسته و آماده برای کسب مقامات بلند ملکوتی و انسانی گشت، به او رسالت و حمکت و علم عطا کردیم و اینگونه مومنین را (کسانی که با تربیت و تهذیب به مرحله ایمان قدم می‌گذراند) پاداش می‌دهیم.»

عمومیت پاداش در آیه کریمه نشان از آن است که مقام تسویه یا مسوی شدن مقامی است که هر کس بدان دست یابد، شایسته تکریم و پاداش از طرف حضرت رب العالمین است. بدیهی است آمادگی جسمی به تنها ی برای گرفتن امانت و مأموریت رسالت و دریافت معارف ملکوتی نمی‌تواند کافی باشد. بنابراین منظور از بلغ اشده علاوه بر تواناییهای کافی جسمی، ظهور اصلی‌ترین نیروهای باطنی و روحی و روانی مورد نظر است مانند اراده، مانند عقل، مانند قلب مانند عواطف انسانی، مانند تفکر، قرآن کریم در آیه مذکور می‌فرماید: علت اساسی این تحول عظیم یعنی تغییرات کلی انسان و انتقال او از دوران کودکی و دوران جوانی به زندگی، حیات انسانی، بلوغ اشد و تولد شداید و قواو دستگاههای ادراکات فوق حسی انسان در وجود او می‌باشد به صورتی که می‌توان ورود انسان به این مرحله را تولد سوم انسان یا شخصیت سوم انسان نامید.

ورود به مرحله بلوغ:

در حقیقت ورود به مرحله بلوغ، منشاء معرفتی و ملکوتی و معنوی و روحی و روانی دارد.

بنابراین اگر ورود انسان از مرحله جنینی به شیرخوارگی را تولد اول یا آغاز شخصیت اول بنامیم و اگر ورود انسان از مرحله شیرخوارگی و طفولیت به مرحله تمیز یا دوران دبستانی را تولد دوم یا آغاز شخصیت دوم بنامیم. می‌توان مرحله بلوغ یعنی ورود انسان از مرحله تمیز یا دبستانی به مرحله نوجوانی و جوانی را تولد سوم یا آغاز شکل‌گیری شخصیت سوم انسان نامید. مرحله بلوغ جسمی، آغاز تشکیل حیات جدید انسان است که به کلی با مراحل قبلی متفاوت می‌باشد، نوجوان در این مرحله: توانایی‌های جسمی جدید از خود نشان می‌دهد.

- توانایی‌های ذهنی جدید در رفتار انسان بظهور می‌رسد.
- نیازهای جدید پیدا می‌کند.

- شخصیت جدید از خود نشان می‌دهد.
 - عواطف جدید که به کلی متفاوت از مرحله قبلی است را بروز می‌دهد.
 - تمایلات جدید و جاذبه‌های جدید و کاملاً متفاوت از گذشته دارد.
 - نگاه جدید به درون و محیط دارد گویا به جهان جدیدی وارد شده است و آنرا بگونه‌ای دیگر ادراک می‌کند.
 - مشکلات جدید دارد که هرگز تا قبل از این مرحله نداشته است.
 - حالات جدیدی از خود نشان می‌دهد و در درون خود ادراک می‌کند آن چنان که گویا این حالات حتی برای خودش هم غریب است.
 - مسؤولیتهای جدید می‌پذیرد که تا قبل از این نه تمایل به آن داشته و نه توانایی قبول آن را داشته است.
 - برخوردهای جدید با درون و با محیط دارد که موجب شگفتی دیگران و حتی خود اوست.
 - حتی بیولوژی و فیزیولوژی جدید و کاملاً متفاوت از مراحل قبلی رشد در جسم انسان به ظهور می‌رسد.
 - بدیهی است منشاء همه این‌ها عوارض جسمی و فیزیولوژیکی نمی‌تواند باشد.
 - اگر چه بلوغ جسمی و بدنی موجب تغییرات بیولوژیکی و فیزیولوژیکی و روانی می‌گردد ولی این تغییرات نباید محقق را دچار خطا و قضاؤت و تشخیص غلط نماید زیرا از دیدگاه اسلام تغییرات و تحولات رفتار در مرحله بلوغ انسان دارای دو منشاء می‌باشد:
- الف: منشاء بلوغ جسمی و بدنی و غریزی یا حیوانی
- ب: منشا روحی و روحانی و معرفتی و خاص حیات انسانی

ماهیت بلوغ

از دیدگاه اسلام ماهیت بلوغ عبارتست از بروز رفتارهایی در انسان که حاکی از ظهور استعدادها و تواناییهای فوق العاده‌ای است که خاص حیات انسانی انسان است که جمعاً شباهت تام و تمام به نوزادی جدید دارد که در درون انسان بالغ متولد می‌گردد و شخصیت جدید و بسیار متفاوتی از گذشته او ساخته و ارائه می‌دهد که نگارنده از آن به شخصیت سوم تعبیر می‌نماید.

آنچه که توسط روانشناسان عالم از ماهیت و آثار دوران بلوغ مطرح گشته است، بررسی وسیعی در جمع بندی رفتارهای انسان بالغ است، تا بتواند روابط ما بین آنها را کشف نموده و

ارائه نمایند ولی آنچه که به دست آورده‌اند در مقایسه با آنچه که برای ایشان ناشناخته مانده است مانند نسبت معلوماتی است که بشریت در مقایسه با ناشناخته‌های عالم وجود به دست آورده‌است.

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم الصلوٰه والسلام هرگونه تربیت الهی جوانان را وابسته به تربیت قلب می‌دانند. از آنجا که قلب در ایام نوجوانی و بلوغ مدیریت حیات معنوی و انسانی انسان را بعهده می‌گیرد، تمام تمرکز تربیت و برنامه‌های اساسی تربیت اسلامی را در این سن و در این مرحله از رشد متوجه تربیت قلبی می‌دانند.

آنجا که می‌فرمایند: **عليکم بالاحاديث يعني شما باید همت خود را روی تربیت جوانان متتمرکز نمایید و یا آنکه حضرت امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرمایند:**

انما قلب الحدث كالارض الخالية كلما القى فيها من شئ قبلته

«قلب نوجوان مثل زمین خالی از کشت است که هر دانه از تربیت بر آن افتد آنرا پذیرفته و می‌رویاند.» این قلب همان است که عمیق‌ترین ادراکاتی که ویژه حیات انسانی است و حیوانات از آن مستثنی می‌باشند، به آن نسبت داده می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از حکمتهای کوتاه خویش از اهمیت نقش قلب در ادراکات انسان و ایجاد عواطف انسانی که تماماً منشاء معرفتی دارد، پرده بر می‌دارند و می‌فرمایند:

وذلك ان له مواد من الحكمه و اضداد من خلافها

و این شگفتی قلب از آن نظر است که بخشی از مواد و مبانی حکمت و اضداد آن در قلب وجود دارد.

رجاء، طمع، ذلت، حرص، یاس، تاسف و تاثر، غصب، غیظ، رضا، خویشنده داری، ترس، پرهیز، غرور، درک فضای باز و میدان وسیع فعالیت، درک دارایی و ثروت، طغیان، بی‌نیازی، درک مصیبت، بی‌تابی، تنگدستی، درک بلا و گرفتاری، درگیری با گرسنگی، احساس ضعف از گرسنگی، سیری، احساس پرخوری، و شکمبارگی، از آن جمله‌اند.

(فان سنج له الرجاء اذله الطمع)

اگر امیدی در دل پدید آید طمع او را ذلیل خود می‌کند.

(و ان هاج به الطمع اهلكه الحرث)

و اگر طمع به قلب روی آورد حرث او را هلاک خواهد کرد.

(و ان ملکه الياس قتله الاسف)

و اگر ناامیدی بر او چیره شود تاسف و اندوه او را خواهد کشت.

(و ان عرض له الغضب اشتبه به الغیظ)

و اگر خشم بر او عارض شود، غیظ او را برآشته خواهد کرد.

(و ان اسعده الرضا فسمی التحفظ)

و اگر خشنودی او را به نشاط آورد، مراقبت را از دست می‌دهد.

(و ان غله الخوف شغلة الحذر)

و اگر ترس به او روی آورد، پرهیز و کناره‌گیری او را گرفتار خواهد کرد.

(و ان اتسع له الامر اشتبه الغره)

و اگر در امور برای او گشايش پیش آید غفلت زده خواهد شد.

(و ان افاد مala اطغاه الغنى)

و اگر مالی بdest آورد، بی نیازی او را به طغيان و ادار خواهد کرد.

(و ان اصابته مصيبة فضحه الجزع)

و اگر مصیبی بر او وارد شود، بی تابی او را مفتضح خواهد کرد.

(و ان غضته القاچه شغلة البلاء)

و اگر فقر و تنگدستی او را گرفتار کند بلاء او را گرفتار خواهد کرد.

(و ان جهده الجوع قعد به الضعف)

اگر گرسنگی با او درافت، ضعف او را به زانو درخواهد آورد.

(و ان افوط به الشبع كظمه البطنه)

و اگر سیری او را به افراط کشاند، شکمبارگی و پرخوری او را زیان رسانند.

(فکل تقصیر به مضر و كل افراط له مفسد)

پس هر گونه تقصیر و کوتاهی برای او مضر است و هر گونه افراط او را فاسد خواهد

کرد.

۱- این استعدادها فوق العاده نیرومند و دارای توانایی تسخیر عالم و ارتباط با عالم ملکوت را داشته و در عین حال بالقوه هستند.

- ۲- مرحله بشر بودن مرحله حیوانی انسان و مرزها و محدوده آنها غریزه و نیازهای اساسی است و انسان در این مرحله تحت تاثیر جاذبه‌های نیازهای اساسی است.
- ۳- مرحله بشر بودن نیز دارای استعداد و آمادگی پرورش، مسوى شدن و تولد مرحله اصلی و نهایی انسان می‌باشد.
- ۴- مرحله مسوى شدن یا تسویه در انسان بالغ صورت می‌پذیرد.
- ۵- مرحله تسویه و بلوغ اشد و شداید قوا با تعادل و اعتدال و کمال قوا انسان همراه است.
- ۶- مرکز، محور، راس و فرمانده استعدادهای جدید انسان بالغ، قلب معرفی شده است.
- ۷- گرچه منظور از قلب، قلب صنبوری شکل ماهیچه‌ای نیست ولی فعالیت قلب ارزشی در همین حوزه است.
- ۸- استعدادها و قوا جدید انسان بالغ از او شخصیتی جدید می‌سازد که قران از آن به انسان مسوى تعبیر می‌فرماید.
- ۹- نگارنده از انسان مسوى با ویژگیها و تواناییهای آن به مقایسه با شخصیت جنینی و شخصیت کودکی به شخصیت سوم تعبیر نموده است.
- ۱۰- محور تمامی برنامه‌های تربیتی و اساسی اسلام تربیت و پرورش قلب است.
- ۱۱- قلب نوجوان بدلیل نوزادی و سادگی آمادگی هرگونه تربیتی را دارد.
- ۱۲- قرآن کریم قلب روحانی و رفتارهای آنرا محور هرگونه سعادت و شقاوت انسان می‌شناسد.
- ۱۳- به دستور رسول خدا^{علیه السلام} و ائمه معصومین^{علیهم السلام} تربیت مکتبی جوانان از طریق تربیت قلب ایشان باید صورت بگیرد.
- *۲- مرحله بلوغ جنسی: در این مرحله ضمن ادامه بروز صفات ثانویه جنسی، سلولهای جنسی هم پیدا می‌شوند. این دوره که برای پسران سنین ۱۴-۱۳ تا ۱۳ سالگی را در بر می‌گیرد، اواسط نوجوانی است.
- *۳- مرحله بعد از بلوغ: در این مرحله صفات ثانویه جنسی کاملاً ظاهر شده‌اند و عمل اعضاء تناسلی و تولید مثل کامل است. این دوره که سنین ۱۹-۱۵ را شامل می‌شود، اواخر نوجوانی است.

* انواع بلوغ

هرچند از واژه بلوغ غالباً بلوغ جنسی تداعی می‌شود، ولی با توجه به موارد استعمال، می‌توان به انواع بلوغ اشاره کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت اند از:

۱- بلوغ شرعی:

بلوغ شرعی همان سن تکلیف دینی است که برای دختران پایان ۹ سال قمری و برای پسران پایان ۱۵ سال قمری است. که نوجوان مسئولیت جدی تری نسبت به فرامین الهی می‌یابند و نسبت به آنها مسئول شمرده می‌شوند.

۲- بلوغ جسمی:

فیزیولوژیست‌ها معتقدند: ارگانیزم بدنی انسان تا ۵ سال اول زندگی به سرعت رشد می‌کند و پس از آن تا آغاز دوره نوجوانی و بلوغ، رشد آن به کندی می‌گراید و سپس در دوره نوجوانی، سرعت دوباره خود را باز می‌یابد و در سن خاصی به حد کمال خود می‌رسد.

۳- بلوغ جنسی:

بلوغ جنسی به معنای رسیدن به سن تولید مثل است که با ازدیاد هورمون‌ها آغاز می‌شود. در این شرایط، عدد جنسی از خواب بیدار می‌شود و تمایل جنسی را به وجود می‌آورند.

۴- بلوغ اجتماعی:

بلوغ عرفی یا اجتماعی، بلوگی است که در آن دختر و پسر مسئول رفتار خود می‌شوند و به آن سن قانونی نیز می‌گویند. قانون گذاران برای افراد، سنین گوناگونی را در اجرای انواع مقررات و بهره‌مندی آنان از حقوق مدنی در نظر گرفته‌اند.

۵- بلوغ سیاسی:

حد قانونی این بلوغ در کشور ما برای مردان و زنان یکسان است و آن سن رای دهنده یعنی ۱۸ سالگی است.

۶- بلوغ روانی:

بلوغ روانی، بلوغ ناشی از رشد روان است که دارای جنبه‌های مختلفی از قبیل: پختگی، هوش و درک مفاهیم اخلاقی می‌باشد.

۷- بلوغ اخلاقی:

این بلوغ با کسب فضایل و سجایای مقرر و پسندیده جامعه از قبیل صراحة لهجه، راستگویی، امانت داری، درستکاری و پذیرش مسئولیت نمایان می‌شود.

۸-بلوغ معنوی:

همراه بودن با احساس بندگی خداوند که ظهرور آن در انجام فرائض و اجتناب از محرمات و گناهان است در شخص بارز گشته و رفته رفته او، خداوند جل جلاله را در همه جا حاضر و خود را در محضر خدا احساس می‌کند و...

۹-بلوغ شخصیتی:

بلوغ شخصیتی در شرایطی حاصل می‌شود که شخص بتواند مستقلًاً تصمیم بگیرد و عمل نماید و بتواند اراده اش را اعمال کند و متکی به خود باشد.

۱۰-بلوغ عقلی:

قرآن مجید از بلوغ عقلی به نام (رشد) یاد کرده و استقلال اقتصادی و آزادی مالی برای یتیمان را مشروط به بلوغ جنسی و رشد عقلی می‌داند.

۱۱-بلوغ اقتصادی:

این واژه به کیفیتی اطلاق می‌شود که فرد از حیث تأمین معاش و اداره‌ی امور اقتصادی زندگی مستقل بوده و بتواند متکی به خود باشد. معمولاً این امر زمانی مطرح است که فرد در صدد تشکیل خانواده و ازدواج باشد. در هنگام احساس استقلال طلبی شخص که او برای آینده خود برنامه‌هایی طرح می‌کند و با تصرف در دارایی‌های مادی خود به فکر درآمد برای رسیدن به زندگی بهتر، می‌افتد.

با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه، سن بلوغ اقتصادی در حال افزایش است و جوانان از این نظر در تنگناهای بخصوصی قرار دارند؛ یعنی از یک سو کششهای غریزی آنها را به سوی تأمین نیازهای طبیعی سوق می‌دهد و از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی زندگی صنعتی و شهرنشینی و نیاز جوامع به تخصصهای در حال گسترش، امکان این که بلوغ اقتصادی در زمان مناسبی فراهم شود، به تدریج ضعیفتر و محدودتر می‌شود که این مسئله، خود موجب ایجاد تعارضات روانی در نوجوانان و جوانان می‌شود.

هم اکنون در اروپا برخلاف سن بلوغ جنسی که چهار سال جلو رفته (پایین آمده)، سن بلوغ اقتصادی و اجتماعی، عقب رفته است (یعنی افزایش یافته است) و این تفاوت سن بلوغ آکونومیک و اجتماعی که بالغ بر ۱۰ سال می‌شود، مشکلات بزرگی را به وجود آورده است.

* سن شروع بلوغ

سن آغاز بلوغ با خصائص اجتماعی و فرهنگی، منطقه و محیط زندگی و تفاوت‌های فردی به ویژه خصائص ارثی در جوامع، شهرها و یا حتی خانواده‌های مختلف متفاوت است. در سال‌های اخیر انقلاب ارتباطات نیز به عنوان یکی از عوامل موثر بر بلوغ زود رس مطرح شده است.

روانشناسان رشد می‌گویند ارزیابی‌ها نشانگر آن است که سن آغاز بلوغ بطور کلی از قرن بیستم تا اولین دهه قرن بیست و یکم در چندین مرحله پایین‌تر آمده است؛ در اوایل قرن بیستم سن آغاز بلوغ در اروپا و آمریکای شمالی بطور متوسط شانزده سال محسوب می‌شد. آغاز بلوغ در دهه شصت به زیر پانزده سال رسید و در دهه نود به چهارده سال و گفته می‌شود که هم اکنون در اروپا و آمریکا بین دوازده تا سیزده سال است.

درک صحیح از سن آغاز بلوغ از آن رو دارای اهمیت است که جامعه، خانواده و مدرسه آمادگی لازم را برای برخورد با شرایط حساس و ویژه کودک در این مرحله گذر، داشته باشند. در ایران تا پیش از دهه پنجاه سن بلوغ شانزده سال برآورد می‌شد اما در سالهای پس از انقلاب ۱۳۵۷ این سن به زیر چهارده سال رسید، یکی از دلایل اصلی این امر جو انقلابی آن سال‌ها و مشارکت و گاه پیشگامی نوجوانان در عرصه فعالیت‌های انقلابی بود.

با این حال اولین مطالعات گسترده روانشناسی رشد در دهه هفتاد خورشیدی در ایران نشانگر آن بود که میان سن آغاز بلوغ در استان‌های جنوبی به ویژه خوزستان و استان‌های شرقی مانند ایلام و کردستان با دیگر استان‌های کشور تفاوت چشمگیری وجود دارد و سن بلوغ بطور متوسط یک سال تا یک سال و نیم در آبادان زودتر از تهران آغاز می‌شود.

این امر علاوه بر آن که موید آن است که بلوغ در آب و هوای گرمسیری بلوغ زودتر از آب و هوای سردسیر رخ می‌دهد، تابع شرایط فرهنگی و متغیرهای خاص منطقه مانند جنگ در خوزستان، ایلام و کردستان نیز بوده است.

بین دختران و پسران در آغاز بلوغ تفاوت چشمگیری به چشم می‌خورد، دختران زودتر به بلوغ می‌رسند و زودتر مرحله بلوغ را به پایان می‌رسانند.

برای آغاز بلوغ طبیعی، سن معینی وجود ندارد و در محیط‌های مختلف، متفاوت است. عوامل متعددی از قبیل: عوامل محیطی، فرهنگی، موروشی و اجتماعی و تغذیه‌ای در پیدایش بلوغ مؤثر است، ولی ظهور آن در اکثر دختران حدود ۹ تا ۱۱ سالگی است.

* تقدم بلوغ شرعی دختران بر پسران

این سؤال همواره در ذهن دختران مطرح است که چرا زودتر از پسران، مکلف می‌شوند و بالغ شرعی محسوب می‌گردند؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، بلوغ شرعی براساس بلوغ طبیعی است. در همه مناطق جهان با در نظر گرفتن شرایط طبیعی و اجتماعی، دختران زودتر به بلوغ طبیعی می‌رسند و فعالیت غدد جنسی در آنان قبل از پسران آغاز می‌گردد. (بنابراین تقدم بلوغ شرعی دختران بر پسران براساس صلاحیت طبیعی و به معنای هم آهنگی قوانین تشریع با مقررات تکوین است).

بیدار شدن غریزه جنسی در دختران زمینه مساعدی برای آلوده شدن به گناه و ناپاکی است و خداوند حکیم برای پیش گیری از مفاسد، آنان را قبل از پسران به وسیله مقررات دینی کنترل می‌کند.

ثانیاً، اندیشه و عقل دختران زودتر از پسران شکفته می‌شود و دلیلش آن است که دختران قبل از پسران زبان می‌گشایند و زودتر از آنان آغاز سخن می‌کنند و با توجه به رابطه غیر قابل انکاری که بین اندیشه و سخن گفتن وجود دارد، این نتیجه به دست می‌آید که دستگاه فکر دختران زودتر از پسران به کار می‌افتد.

شکوفا شدن عقل و هوش در دختران باعث شده است قانون گذار آنان را قبل از پسران مکلف کند تا از طریق عمل به تکالیف الهی به رشد معنوی نایل گردد و از طرف دیگر در جامعه از استقلال قانونی و حقوق اجتماعی برخوردار شوند.